

جہانے شدن
اقتصاد
و ساختار
طبقات اجتماعی
در ایران
حسین عبداللہی



www.etaab.ir

عبداللہی، حسین، ۱۳۳۲ -	
جهانی شدن اقتصاد و ساختار طبقات اجتماعی در ایران / نوشته حسین عبداللہی -	
تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۷.	
۳۱۸ ص:؛ جدول، نمودار.	
شابک ۶-۲۴۳-۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸	ISBN 978-600-405-243-6
جهانی شدن - ایران - جنبه های اقتصادی	
globalization - economic aspects - Iran	
جهانی شدن - جنبه های اقتصادی	
globalization - economic aspects	
بہات اجتماعی - ایران - تاریخ - قرن ۱۴	
social classes - Iran - history - 20th century	
۳۰۳/۴۸۲	ج ۳ ز ۱۳۱۸



دفتر مرکزی: بابان / یمخان زند / بین ایران شهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم

فرمان: بابان / یمخان زند / بین ایران شهر و ماهشهر / پ ۱۴۸

توزیع: خیابان کریمخان زند / بین ایران شهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه همکف

تلفن گویا: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶ - ۸۸۳۰۲۴۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۸۶۱۶۶۶

سایت اینترنتی: www.salesspublication.com

پست الکترونیکی: salesspub@gmail.com - info@salesspublication.com

■ جهانی شدن اقتصاد و ساختار طبقات اجتماعی در ایران

● حسین عبداللہی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی

● چاپ اول: ۱۳۹۷ / ۷۷۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

ISBN 978-600-405-243-6

● شابک ۶-۲۴۳-۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: جنبه‌های کلی اقتصاد و ساختار طبقات اجتماعی
۵۱	فصل دوم: ایران در گذرگاه تحولات اقتصاد جهانی و دگرگونی ساختار طبقاتی
۵۵	بخش اول: به سوی ادغام در اقتصاد جهانی
۶۳	بخش دوم: ثبات و مرحله‌ای شدن ادغام در اقتصاد جهانی
۷۰	بخش سوم: طبقات در تقسیم کار جدید جهانی
	فصل سوم: شتاب گرفتن ادغام در بازار جهانی و دگرگونی ساختاری در وضعیت طبقات اجتماعی
۸۳	
۸۴	بخش اول: جهش به سوی اقتصاد جهانی
۹۰	بخش دوم: اصلاحات ارضی، ریشه‌ها و پیامدها
۱۱۴	بخش سوم: توسعه صنعتی و گسترش ابعاد ادغام
	بخش چهارم: شرایط پیوند با اقتصاد جهانی در عرصه‌های سرمایه‌گذاری، باج‌بایی، باج‌بایی
۱۱۹	نیروی کار و مبادلات کالا
۱۴۲	بخش پنجم: تحول در ساختار طبقات اجتماعی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰
۱۶۱	فصل چهارم: دهه نخست پس از انقلاب
۱۶۲	بخش اول: شرایط جهانی و داخلی
۱۷۰	بخش دوم: افول شاخص‌های جهانی‌شدن

۱۸۶	بخش سوم: ساختار طبقات اجتماعی
۱۹۹	فصل پنجم: دوره دوم پس از انقلاب (۱۳۴۸-۱۳۸۴)
۲۰۰	بخش اول: شرایط جهانی و داخلی
۲۰۲	بخش دوم: شرایط پیوند در عرصه سرمایه گذاری خارجی،
۲۲۹	بخش سوم: ساختار طبقات اجتماعی
۲۳۹	فصل ششم: دوره سوم پس از انقلاب (۱۳۹۲-۱۳۸۴)
۲۴۱	بخش اول: شرایط جهانی و داخلی
	بخش دوم: شرایط پیوند در عرصه سرمایه گذاری خارجی، جابجایی نیروی کار و تجارت
۲۴۳	خارجی
۲۵۹	بخش سوم: ساختار طبقات اجتماعی (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱)
۲۶۹	فصل هفتم: جمع بندی، یافته ها، نتیجه گیری و راهکار تعامل با اقتصاد جهانی
۳۰۳	منابع

مقدمه

زندگی اجتماعی به طرز فزاینده‌ای در حال دگرگونی است و با سرعت هرچه بیشتر جهانی می‌شود. جهانی شدن به شیوه اصلی تحول اجتماعی تبدیل شده است و ساختار نوینی را بر جهان حاکم می‌کند. در ایران گذار از اجتماعی سنتی به جامعه‌ای مدرن، تلاش برای پیشبرد گشتن رجه مختلف توسعه نیافتگی و همزمان گریز از وضعیت پیرامونی، با فراگیر شدن جهانی شدن جهان متقارن شده و در هم گره خورده است. روند تحول ایران در پرتوی همه جانبه با ساختارهای اقتصادی جهانی رخ می‌دهد؛ وضعیتی که همه عرصه‌های اجتماعی، از جمله قشر بندی اجتماعی را متأثر می‌کند. جهانی شدن اقتصاد برای زیست اجتماعی و ساختار آن در کشور آثار متناقضی به همراه داشته است.

جهانی شدن اقتصاد گسترش جغرافیایی و تاریخی مناسبات سرمایه داری در سطح جهان است که در نیمه دوم قرن نوزدهم با تلاش کشورهای صنعتی غرب برای ادغام بازارهای جهان و چیرگی بر آن آغاز شد، روندی که در پی آن دسترسی آسان به مواد خام و گسترش بازارهای فروش محصولات به قصد بالا بردن هرچه بیشتر سود دنبال می‌شد. اقتصاد جهانی در این مرحله از زندگی بشر تقسیم کار نوینی پدید آورد که در آن کشورهای توسعه یافته صنعتی به عنوان کشورهای مرکز عمدتاً نقش

تأمین‌کننده محصولات صنعتی را عهده‌دار شدند و به تدریج کشورهای توسعه‌نیافته به مثابه کشورهای حاشیه‌ای در جایگاه تأمین‌کننده مواد خام مورد نیاز این کشورها و ایجاد بازاری برای محصولات آن‌ها قرار گرفتند. در فرایند جهانی‌شدن، گسترش مناسبات میان کشورها ابعاد چندگانه می‌گیرد و وابستگی متقابل میان آن‌ها با درجات کاملاً نابرابر میان دو طرف شدت می‌یابد. جهانی‌شدن کنش متقابل میان عناصر درون‌جامعه‌ای و روندهای بیرون‌جامعه‌ای را گسترش و به تدریج جایگاه روند دوم را به سطح بالاتر ارتقا می‌دهد. در طول زمان این پدیده وجوه مختلف زندگی سر را در گوشه و کنار جهان بیش از پیش متأثر می‌کند؛ روند کلان و پیراوانی که در آن تأثیرگذاری فزاینده‌ای بر زندگی اجتماعی دارد. طبقات اجتماعی نیز، به مثابه پایه‌ترین گروه‌های اجتماعی، در پیوند جامعه با اقتصاد جهانی در معرض پرتوگیری در گونی‌ها قرار می‌گیرند.

تحولات جهانی به گونه‌ای است که شرایط پیوند با جهانی‌شدن اقتصاد دشوارتر می‌شود. اما جهانی‌شدن باید بیشتر تابع اراده انسانی شود و از اجتناب‌ناپذیری دهه‌های پیشین فاصله گیرد. شرایطی که در درجه اول نیازمند شناخت گسترده آن است. هر جامعه‌ای باید شیوه پیوند با فرایند جهانی‌شدن را بر اساس شرایط فعلی خود و جهان در راستای منافع درازمدتش تعیین کند.

در ایران تحولات تاریخی به گونه‌ای بود که در آن فرایند مدرنیزه شدن و جهانی‌شدن در هم تنیده شد و هر دو عرصه با مفهوم غربی شدن و وابستگی به غرب یکسان انگاشته شد. بر این اساس چگونگی برخورد نظری و عملی با پدیده جهانی‌شدن در دوره‌های مختلف و با درجات گوناگون در معرض آسیب نگاه سیاست‌زده قرار گرفت و ارزیابی آن از افراط و تفریط مصون نماند. از یک سو شیفتگی و از سوی دیگر هراس دو سرطین واکنش به جهانی‌شدن در کشور شد. جهانی‌شدن در دوران پیش از انقلاب اسلامی عامل ضروری و قطعی توسعه پنداشته و پیوند با آن بی‌محایا پی گرفته شد. اما پس از انقلاب از منظر سیاسی و ایدئولوژیک به آن نگاه شد. پس جهانی‌شدن عاملی تلقی شد که ممکن بود سلطه

نیروهای استکباری را به دنبال داشته باشد و در نتیجه با آن مخالفت شد. زندگی اجتماعی و تحولات آن در جهان معاصر به گونه‌ای نیست که به ایران فرصت انتخاب پیوستن یا نپیوستن به اقتصاد جهانی را بدهد. گریز از آن نه مقدور است و نه مفید؛ درآمدهای نفتی زندگی جامعه را به اقتصاد جهانی گره زده است. کشور ایران از پیش مراحل از ادغام در بازار جهانی را طی کرده و اکنون وارث، در میانه و در معرض این ادغام است. حالا ایران تنها می‌تواند در حد توان خود این روند را عقلمانی و تعدیل کند، از تهدیدات آن بکاهد و بر فرصت‌هایش بیفزاید.

یکی از نقاط عزیمت و مسیر حرکت برای تبیین تحولات اجتماعی هر جامعه‌ای تئوری به سبب آثار طبقات شکل‌دهنده آن است. این نگاه جامعه را نه اجزایی متمایز شده، بلکه مجموعه افرادی مرتبط در نظر می‌گیرد که در دسته‌هایی به نام طبقه اجتماعی جای گرفته‌اند. شناخت جامعه در گرو شناخت گروه‌های مختلف اجتماعی و به روش طبقه‌بندی اجتماعی به مثابه پایدارترین و اصلی‌ترین زیر مجموعه آن است.

می‌توان برای جامعه وجوه مشخص از وضعیت طبقات اجتماعی را در نظر گرفت. این نوشته در تقسیم‌بندی طبقه‌های اجتماع، عمدتاً به موقعیت و نوع شغل افراد در ارتباط با یکدیگر و در پرتو نوع منابع و دسترسی آن‌ها به منابع و وسایل مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی می‌پردازد. برای مثال، سبک زندگی یا شیوه برخورد اعضای هر طبقه با طبقات دیگر موضوع این نوشته نیست. در چند موقعیت طبقه بر اساس موضوع این نوشته بر دو ویژگی مذکور مؤثر است و چه‌بسا نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت طبقاتی افراد ایفا کند. این نوشته تحلیلی بر وضعیت اشتغال کشور هم نیست، زیرا در آن صورت باید بی‌کاری را به مثابه یکی از شاخص‌های اصلی آن در نظر گرفت. در این نوشته به وجه عینی طبقات اجتماعی توجه شده است، نه بعد ذهنی آن. همچنین، به رغم وجود دغدغه نسبت به شرایط زندگی، نحوه معیشت و منافع قشرهای زحمتکش و فرو دست جامعه، سعی شده است تا فارغ از این غلظت و معیارهای ارزشی صرفاً به وضعیت کمی طبقات نگاه

شود. کیفیت اشتغال، نحوه گذران زندگی و سطح آن در میان اعضای طبقات و لایه‌های درونی آن و از همه مهم‌تر بعد ضروری طبقه کارگر از لحاظ خودآگاهی و اقدام مشترک برای تأمین منافع خود در این نوشته گنجانده نشده است. نکته مهم دیگر آن است که به ساختار طبقات اجتماعی بیش‌تر به مثابه یک فرایند نگاه شده است تا یک وضعیت.

پیوستن یا نپیوستن به سازمان تجارت جهانی و نحوه پیوند با اقتصاد جهانی نیز یکی از موضوعات اصلی حال و آینده ایران است. داشتن هر رویکردی در این زمینه بر طبقات مختلف اجتماعی تأثیر می‌گذارد. نبود فضای مناسب کسب و کار، دشواری ثابت و بی‌دفاع داخلی با رقبای خود در سطح منطقه و جهان، آسیب‌پذیر بودن طبقات اجتماعی و به خصوص اختلاف طبقه سرمایه‌دار و کارگر چالش اصلی پیوند ایران با اقتصاد جهانی است.

نوشته پیش رو با هدف مشخص ساختن اثر جهانی‌شدن اقتصاد، در جایگاه یکی از عوامل مهم تأثیرگذار جامعه کنونی شری بر تحولات ساختار طبقاتی جامعه ایران نگاشته شده است. جهانی‌شدن اقتصاد با برندگان و بازندگان متعددی برای جوامع مختلف و گروه‌های اجتماعی گوناگون پیامدهای متفاوت داشته است. در دنیای کنونی همه جوامع به‌طور درخور توجهی در معرض این پدیده‌اند. در دهه‌های اخیر تحت مدیریت قدرت‌های بزرگ جهان و به ویژه آمریکا و با هدایت نهادهای اقتصادی جهانی نحوه پیوند با اقتصاد جهانی بیش‌تر در بعد «پروژه‌ای» سرعت گرفته تا «پروژه‌ای» آن و «جهانی‌سازی» و «جهانی‌شدن» «تولیرالی» نمونه بارز آن است. در عین حال به باور بسیاری از صاحب‌نظران، شاید راه‌گشایی از پیوند با جهانی‌شدن وجود نداشته باشد، اما راهی برای اجتناب از ادغام انفعالی وجود دارد و شناخت ساز و کار آن و تدوین استراتژی مناسب ممکن است از تهدیدهای ادغام بکاهد و حتی آن را به فرصت تبدیل کند.

کانون توجه در این نوشته پیامدهای اجتماعی پیوند ایران با فرایند جهانی‌شدن از حیث تحول در ساختار طبقات اجتماعی و چگونگی تحولات آن است. با این حال، نگارنده برای این که رویکرد خود به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر تحول وضعیت

طبقاتی در جامعه ایران را روشن کند، نخست در یک فصل به مفهوم و فرایند جهانی‌شدن و مفهوم و تحول ساختار طبقاتی در ارتباط با فرایند جهانی‌شدن جامعه ایران پرداخته است. آن‌گاه پس از استخراج مدلی مفهومی، در فصل دوم چگونگی پیوند ایران با فرایند جهانی‌شدن و آثار این پیوند را توضیح داده است. بررسی و ارزیابی آثار پیوند ایران با فرایند جهانی‌شدن و پرسش اصلی این نوشته، یعنی ارزیابی تأثیر این فرایند بر ساختار طبقات اجتماعی، موضوع فصل‌های بعدی این کتاب است. در این فصل‌ها نگارنده کوشیده است با جستجوی داده‌های آماری که پیش از این کمتر با هدف این نوشته گردآوری شده‌اند وضعیت طبقات اجتماعی در جامعه ایران را ترسیم کند. علاوه بر این، میزان جهانی‌شدن اقتصاد کشور برای برهه‌های مختلف زمانی خاصه شده و آثار تغییرات آن بر طبقات اجتماعی تبیین شده است.

در پایان لازم به ذکر است که در پدید آمدن این اثر استادان و دوستانم سهم مهمی داشتند که لازم است در اینجا به‌طور خلاصه به آن‌ها اشاره کنم. بدون زحمات‌های این بزرگواران اثر حاضر بی‌دید می‌نوانست به سرانجامی که اکنون دارد برسد. پیش از هر چیز از استادان گرامی‌ام دکتر سید علی حسینی، دکتر ساروخانی، دکتر منصور وثوقی، و دکتر مصطفی ازکیا، استادان ممتاز کشورمان که بر حسن انجام کار نظارت داشته‌اند صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین خود را مدیون استادان عزیز و دوستان دورم دکتر فرهاد نعمانی و دکتر سهراب بهداد می‌دانم که از اثر گران‌قدرشان نیز در این نوشته بهره گرفته‌ام.

همچنین بر خود واجب می‌دانم از نقش برجسته دوست استاد بسیار عزیزم دکتر کمال پولادی، پژوهشگر پرتوان کشورمان، در شکل‌گیری و به‌تدریج رسیدن اثر، به ویژه همکاری ارزنده‌شان در ویراستاری آن، تشکر کنم. از همه این‌ها دکتر معصومه سلیمی‌بنی در تنظیم جدول‌ها و نمودارها صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین از یاری بی‌دریغ دوست ارجمند جناب آقای اقبال‌زاده بی‌نهایت سپاسگزارم.

در نهایت، این نوشته بی‌شک دارای اشکالات فراوان است که متوجه نگارنده است. برای رفع آن‌ها، خاضعانه در انتظاری یاری همه مخاطبان فرهیخته هستم.